



● عکس: عبداللّه جبریل ابرار

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان سناریوی سیاسی افغانستان برای کشتن هامون را بررسی می‌کند

آب در گردنه طالب

که با سرمایه و دانش فنی آمریکایی‌ها ساخته شد، شبکه گسترده‌ای از کانال‌های آبیاری و توربین‌های برق راه افتاد؛ اما در سال ۱۹۷۹ با حمله ارتش سرخ شوروی، پروژه آمریکایی‌ها ناتمام ماند.

این بار شوروی طرح جدیدی روی میز گذاشت. شوروی که افغانستان را سرزمینی پرآب یافته بود، نقشه کشت گسترده پنبه در مزارع این کشور را مطرح کرد و بنا بود تجارت پنبه و الیاف را از افغانستان و در جوار راه ابریشم راه‌اندازی کند؛ اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد و آمریکا گروه‌های تندرو در افغانستان را علیه چپ‌های نزدیک به شوروی مسلح کرد و شعله‌های جنگ داخلی مزارع و تمام کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی را نابود کرد. کانال‌های آب و مزارع حاصلخیز بعدها در خدمت طالبان درآمد و به صورت گسترده زیر کشت خشخاش رفت. این بار هلمند پایتخت مواد مخدر جهان شده بود و آب هیرمند و مزارع خشخاش و باغ‌های وحشی پسته همه و همه منبع درآمد تورپست‌ها شدند.

پیش از خروج آمریکا از افغانستان و بنا بر گزارش العربیه آمریکایی‌ها ۲۰۰ میلیون دلار دیگر خرج کردند تا سد کجکی را تکمیل کنند و تاج و درپچه‌های خروج اضطراری سد را ساختند و پنج ماه پیش از سقوط کابل به دست افغانستان، اشرف غنی، رئیس‌جمهوری این کشور، سد کمال‌خان را در پایین‌دست رود هیرمند و در نزدیکی مرز ایران افتتاح کرد و گفت که از این پس در ازای تحویل آب به ایران، نفت گرفته می‌شود.

خط مرزی دیورند که نامش از نام نماینده ملکی بریتانیا، سر هنری مورتیمر دیورند گرفته شده است، در ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ طبق قراردادی میان بریتانیا با امیر عبدالرحمن، حاکم وقت افغانستان، تعیین شد؛ مرزی بین هند بریتانیا و افغانستان؛ اما پس از ایجاد پاکستان در سال ۱۹۴۷ آنها معتقد هستند که این مرز اعتباری ندارد؛ زیرا اعتبار توافق‌نامه برای صد سال بوده است.

این اختلافات موجب شده که تلاش‌های پاکستان برای ایجاد حصارها و پست‌های مرزی با مقاومت افغانستان مواجه شود و نیروهای طالبان سیم‌های خاردار نصب‌شده از سوی نیروهای امنیتی پاکستان را در امتداد خط دیورند از ریشه برمی‌دارند. مقابله طالبان با حصارکشی مرزی اعتبار آنها را بین پشتون‌های دو سمت مرز تقویت کرده است؛ اما باعث کدورت دولت پاکستان از طالبان شده است.

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که طالبان تمایل ندارد حمایت نظامی و معنوی پاکستان را از دست بدهد و به نظر می‌رسد که دنبال راه‌حلی برای این مناقشه است.

بازی کارتل مواد مخدر با اقلیم

انحراف مسیر آب تنها با هدف حل مناقشه مرزی افغانستان و پاکستان رخ نداده و به باور پیرمحمد ملاهی، کارشناس مسائل افغانستان، کارتل‌های بزرگ مواد مخدر بازی آب در منطقه را به دست گرفته‌اند.

او به «شرق» می‌گوید که نزدیک به ۸۰ درصد تریاک جهان در افغانستان تولید می‌شود و باند ثروتمند مواد مخدر از افغانستان تا اروپا فعال است و ترانزیت پردرآمدی ایجاد کرده است.

ملاهی تأکید می‌کند که «برای کشت خشخاش نیاز به آب فراوان است و کنترل مسیرهای آب از افغانستان به دست این کارتل ثروتمند افتاده است.»

حسین سرگزئی، کارشناس منابع طبیعی نیز توضیح می‌دهد که کشت خشخاش سه برابر کشت گندم نیاز به آب دارد؛ اما طالبان مدعی است که در حال مبارزه با کشت خشخاش است. باین‌حال، ملاهی تأکید دارد که گرچه طالبان کشت خشخاش را کاهش داده، ولی آن را با تولید مواد مخدر صنعتی جایگزین کرده است.

این کارشناس همچنین توضیح می‌دهد که با بحران آب، کشاورزان و صیادان محلی در سیستان فقیر و فقیرتر شده و قاچاقچیان پولدارتر می‌شوند؛ بنابراین با کوچ کشاورزان و صیادان سیستانی و مهاجرت آنها، خطر جایگزینی باندهای قاچاق مواد مخدر و تنش‌های بعدی با طالبان جدی می‌شود.

فرماندهی طالبان در خارج از مرز افغانستان

«طالبان به‌سادگی به افغانستان برگشت و نه‌تنها میلیاردها دلار اسلحه و مهمات آمریکایی برای آنها به جا مانده است، بلکه شیرفلکه آب منطقه را به آنها سپرده‌اند. همین به تنهایی گویای آن است که ماجرا چیست؟». این نکات را علیرضا رجایی، راین سابق فرهنگی ایران در افغانستان، به «شرق» می‌گوید و تأکید می‌کند که ماهیت طالبان «ناسازگاری» است و «افغانستان تبدیل به چاله امنیتی برای همسایگان خود شده است و ایجاد چالش برای ایران و چین می‌تواند مطلوب آمریکا باشد.»

او با تأکید بر اینکه طالبان آب را به «گروگان» گرفته است، به «شرق» می‌گوید: «طالبان به دنبال پاکسازی هزاره‌هاست و به آنها اجازه نمی‌دهد که دام خود را به مراتع بیاورند. این سیاست‌ها برای فشار به هزاره‌ها و شیعیان و کوچاندن آنها و جایگزینی آنها با پشتون‌هاست یا طالبان در حال توسعه چشمگیر مدارس حقانی است. بنابراین اینکه تصور کنیم طالبان تنها از سر لجاجت آب هیرمند را به سمت گودزره منحرف می‌کند، ساده‌انگانه است و اینکه تصور کنیم طالبان بدون هدایت مجموعه‌های بیرونی این‌تنش‌ها را در منطقه ایجاد می‌کنند، تصوری سطحی است.»

عنوان تشکل تشکل تشکل‌ها به رسالت عظیم خویش برگردد و

به عنوان مشاور قوای سه‌گانه نقش مهمی ایفا کند و دولت و حاکمیت را در مسیر مهار تورم، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود شاخص‌های کسب‌وکار و… همراهی کند. اگرچه اتاق ایران طی سالیان متمادی دست همکاری به تمام دولت‌ها دراز کرده و بدون جانبداری از سیاست‌ها و خطمشی سیاسی آنها، همدل و کمک‌حال آنها در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی معقول و خردورانه بوده است. از سوی دیگر اگر کمی صریح صحبت کنیم، نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور با مشکلات عظیمی مواجه شده که زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی است و مسئولیت اجتماعی پارلمان بخش خصوصی ایجاب می‌کند در شناسایی این بحران‌ها و بیماری‌های اجتماعی و چالش‌های پدیدارنده نقش حمایتی و هدایتی ایفا کرده و از گسترش این بیماری‌های اجتماعی جلوگیری کند. زخم‌های اجتماعی ایران بیش از هر زمان دیگری به پزشکیان حاذق و طبیبانی متخصص نیاز دارد که اتاق ایران نیز در این برهه می‌تواند از گسترش زخم‌های

شرق؛ طالبان به دنبال خشکاندن دریاچه هامون در مرز ایران و افغانستان و تقویت دریاچه گودزره در مرز پاکستان و افغانستان است. به‌جز این افغانستان با شروع به ساخت سد بخش‌آباد روی رودخانه فراه تلاش می‌کند تا تمام روزه‌های ورود آب به ایران را ببندد و شیرفلکه آب منطقه را به دست بگیرد؛ اتفاقی که به تعبیر علیرضا رجایی، راین سابق فرهنگی ایران در افغانستان، «گروگان‌گیری آب» از طرف طالبان است و به عقیده حسین سرگزئی، دکترای بیابان‌زدایی و کارشناس منابع طبیعی، یک سناریوی سیاسی مفصل و بازی سیاسی با آب است.

آب در خدمت کشت خشخاش

جنگ سرد بین روسیه و آمریکا در این کشور برمی‌گردد. در افغانستان سال‌های دور، هلمند نام ولایتی است که شکوه دوران غزنوی را به خاطر مردم می‌آورد؛ خاطره‌ای که با تصویری از بنای تاریخی پاتک پست، روی اسکناس‌های افغانی نقش بسته است؛ اما هلمند امروز نام پایتخت مواد مخدر جهان است.

در دهه ۱۹۶۰ و در سال‌های جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، آمریکایی‌ها نقشه‌های بزرگی برای افغانستان در سر داشتند. سرزمین پرآب افغانستان و ولایت مستعد هلمند نظر آمریکایی‌ها را به خود جلب کرد؛ تا آنجا که لشکرگاه هلمند را آمریکا کوچک نامیدند و سد بزرگ کجکی را در بالادست رودخانه هیرمند در ولایت هلمند ساختند. به‌جز سد کجکی

فصل اجماع بخش خصوصی در فضای مه‌آلود اقتصاد ایران



حسین بیرمودن

توصیف شرایط فعلی اقتصاد کشور بر همگان آشکار است و فعالان بخش خصوصی نیز از گره‌های اقتصادی کشور آگاه بوده و طی سالیان گذشته بارها و بارها خواستار رویکرد حمایت‌گرایانه و تقویتی دولت از بخش خصوصی شده و از نگاه دخالتی و تصدی‌گرایانه دولت انتقاد کرده‌اند.

فعالان بخش خصوصی معتقدند بخش خصوصی کشور به واسطه دخالت‌های نابجای دولت و دولتیون طی سال‌های اخیر نه‌تنها در مسیر تعالی گام برداشته است، بلکه در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نیز نقش مهمی ایفا نمی‌کند و نهاد‌های دولتی و سیاست‌گذاران در اصلاح و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی

ادامه از صفحه اول

فاجعه ملی ساخت‌وساز روستایی

طبق آخرین سرشماری کشوری حدود یک میلیون نفر از جمعیت ۱۳ میلیونی استان تهران در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که جمعیت درخور توجهی محسوب می‌شود و از بسیاری شهرهای مراکز استان کشور نیز فزونی دارد. با این حال طبق مشاهدات، ساخت‌وسازها به بی‌ضابطه‌ترین شکل ممکن در جریان است. اینکه ساختمانی در محله و منطقه کوچک روستایی و با معابر پرشیب و کم‌عرض، درحالی‌که جواز سه طبقه دارد، در پنج، شش طبقه ساخته شود و هیچ‌یک از اصول فنی و نقشه‌های تهیه‌شده در آن رعایت نشود، به غیر از فاجعه ملی وصف دیگری ندارد. هرچند بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که متولی نظام فنی روستایی است، با ایجاد دفاتر طراحی مهندسی و جذب ناظران ذی‌صلاح نسبت به ارتقای کیفیت ساختمان‌های روستایی اقدام کرده است، ولی در مرحله‌ای که قرار است ضوابط فنی از طرف دهیاری‌ها و بخشداری‌ها با گزارش‌های مهندسان ناظر مورد کنترل و نظارت قرار گرفته و در صورت مغایرت اجرا با ضوابط از ادامه عملیات ساختمانی جلوگیری به عمل آمده و مالکان و مجریان مجاب و ملزم به رعایت مقررات شوند، اقدامی انجام نمی‌گیرد.

این در حالی است که ساخت‌وساز در روستاها به دلیل معابر اغلب صعب‌العبور برای ماشین‌های حمل بتن و قطعات فلزی و قرارگرفتن ساختمان در کوچه‌پس‌کوچه‌های تودرتو، انتقال مصالح و اجرای اسکلت به شیوه‌ای استاندارد با دشواری همراه است و این مسائل دقت هرچه بیشتر در رعایت موارد فنی و کنترل و نظارت بر نحوه صحیح اجرا را

یادداشت

سیستان؛ قربانی بیابان‌زایی و خشک‌سالی

حسین سرگزئی؛ دکترای بیابان‌زدایی، کارشناس منابع طبیعی

سیستان وبلوچستان؛ روز ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد) روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی و خشک‌سالی است. مفاهیم آشنایی که آثار و نتایج آن در جسم و روح مردم استان سیستان‌وسبلوچستان آشکار است، بیابان‌زایی پدیده‌ای که با کاهش تولید اراضی آغاز می‌شود و با تخریب اراضی، فرسایش بادی و مهاجرت‌های وسیع انسانی، ابعاد وخیم و فاجعه‌باری می‌یابد. دامنه‌ای از نشانه‌گرهای بیوفیزیکی (تغییرات پوشش اراضی، کاهش تنوع زیستی، کاهش حاصلخیزی خاک، کمبود رطوبت و افزایش فرسایش بادی)، اقتصادی (کاهش بازده تولید غلات، کمبود تولید علوفه، کاهش درآمد خانوار و ورشکستگی بازار)، اجتماعی (افزایش مهاجرت روستا به شهر، تغییر ساختار جمعیت، کاهش همبستگی اجتماعی، کاهش بهداشت و سلامت و افزایش نرخ بی‌کاری) و سیاسی (کاهش اعتماد به دولت، مناقشات، اعتراضات و برگزاری تجمعات) رنگ خطر وقوع یا تشدید بیابان‌زایی به حساب می‌آیند.

محززترین مثال بیابان‌زایی و پیامدهای فاجعه‌بار آن را می‌توان در شرق کشور سراخ گرفت. منطقه سیستان در ناحیه‌ای واقع شده که به دلایل مختلفی همچون وابسته‌بودن تام به آب‌های فرامرزی، خشک‌سالی دوره‌ای و مداوم، وزش بادهای فرساینده، شوری‌زایی و استفاده مفرط از اراضی، حساس به تخریب زمین و متاثر از پدیده بیابان‌زایی بوده و در نتیجه به دلیل عوامل اقلیمی و دخالت‌های انسانی (به‌ویژه سدسازی‌ها و اقدامات مهار آب در افغانستان) آسیب‌های زیادی متوجه ساکنان و تأسیسات اقتصادی منطقه شده است؛ به طوری که اینک با قطع جریان آب هیرمند و عدم تحقق حقایه ایران، بیم مهاجرت‌های وسیع مردم می‌رود. بیابان‌زایی نتیجه تأثیر یا برهم‌کنش عواملی است که به نیروهای پیشران موسوم‌اند. این پدیده بسته به پیشران و شرایط جغرافیایی، می‌تواند باعث تغییرات قهقریایی عمدتاً پایدار در زیست‌بوم شود. مهار این پدیده مستلزم شناخت نیروهای پیشران آن است. درهم‌تنیدگی و پراکنش اجتماعات انسانی با عرصه‌های فرسایش‌پذیر در دشت سیستان باعث وقوع اشکال مختلف بیابان‌زایی انسانی و تخریب زمین شده است. در پژوهشی که چند سال پیش انجام شد مهم‌ترین پیشران‌های بیابان‌زایی و تخریب زمین در سیستان به ترتیب مدیریتی با ۳۸ درصد، بیوفیزیکی با ۲۱ درصد، اقتصادی با ۱۷ درصد، اجتماعی با ۱۵ درصد و سیاسی با هفت درصد سهم مشارکت شناسایی شدند. به‌این‌ترتیب ملاحظه می‌شود که علی‌رغم شهرت عوامل طبیعی (خشک‌سالی، کمبود آب، وزش باد، کمبود پوشش، فقدان سنگفرش بیابانی و…) در منطقه، سهم این عوامل در تخریب سرزمین تنها حدود ۲۰ درصد است.

نتایج این پژوهش نشان داد که مدیریت سیستان منطق بر نیازهای طبیعت بیابانی منطقه نبوده است. بنا بر ادعان دانشگایان، محققان و کارشناسان منطقه، نیم‌قرن عملیات کنترل و مهار بیابان‌زایی در سیستان قرین به توفیق نبوده؛ به‌طوری‌که در منطقه پیشران مدیریتی با درصد بالایی از تأثیرگذاری اختلاف‌مغنی‌داری در سایر پیشران‌ها دارد و در این پیشران معیار مدیریت بیابان به‌طور معناداری از اهمیت بالاتری برخوردار است، لذا توجه به موضوع مقابله با بیابان‌زایی و جهت‌دادن همه اقدامات مدیریتی منطقه با محوریت همزیستی و مدیریت بیابان از مسائل مورد توجه است. معیارهای پیشران‌های بیوفیزیکی، اقتصادی و سیاسی تفاوت مغنی‌داری با هم ندارند و به عبارتی تأثیرگذاری عواملشان در نمره نهایی این پیشران‌ها یکسان است؛ اما معیار فرهنگی در پیشران اجتماعی و معیار مدیریت بیابان در پیشران مدیریت با سایر معیارها اختلاف معناداری دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها و آموزش برای مردم و مدیران به یک میزان ضروری است.

با نظر به تغییر بسیار شدید شرایط آینده و احتمال وقوع سناریوهای مختلف، به نظر می‌رسد موضوع مشترک در همه سناریوها روند رو به کاهش آب‌قابل‌دسترس در منطقه، روند کاهش جمعیت و افزایش مهاجرت به‌ویژه مهاجرت نسل جوان، افزایش روند فقر ساکنان، افزایش بیابان‌زایی و تخریب زمین باشد؛ لذا پرداختن به منابع اشتغال‌غیروابسته به آب و خاک، لزوم مدیریت جامع با مشارکت همه بخش‌ها، بهره‌گیری از اقتصاد دانش‌بنیان مبتنی بر شبکه‌سازی و فضای مجازی، لزوم ارتباط دوسویه مرزنشینان و حمایت قاطع و مطمئن دولت از روستائیان ضروری به نظر می‌رسد.عوامل متعدد تأثیرگذار و عدم تعظیبت زیاد و بیپایدگی تأثیر این عوامل در بیابان‌زایی سیستان لزوم به‌کارگیری اقداماتی برای مدیریت در این منطقه را ناگزیر می‌کند. این روش‌ها فراتر از روش‌های معمول بیابان‌زدایی بوده و مجموعه‌ای از اقدامات قانونی و حقوقی، حاکمیتی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، اجرایی و مدیریتی را دربر می‌گیرد.

خبرگان و نخبگان معتقدند مهم‌ترین راهبردهای منطقه در زمینه سیاسی (مذاکره و رایزنی‌های سیاسی چندجانبه با افغانستان، ایجاد حساسیت جهانی در مورد وضعیت بیابان‌زایی منطقه، حذف نگاه سیاسی و امنیتی در مدیریت و…) در زمینه اجتماعی (آموزش و نهادسازی اجتماعی و گسترش خدمات اجتماعی و…) در زمینه اقتصادی (سرمایه‌گذاری در انرژی‌های نو، تشویق سرمایه‌گذاران، بهره‌گیری از اقتصاد مرز و…) در زمینه مدیریتی (تجمع و ادغام وظایف دستگاه‌های مرتبط به مدیریت آب و خاک، ارتقای سطح اداری مراکز تصمیم‌گیری منطقه و…) است.

هم کاهش داشته‌که افزایش پیدا نکرده است. فقط با حرف ما قرار نیست واقعا اتفاقی بیفتد. قرار نیست با دستور رئیس‌جمهوری محترم تورم مهار شود و رشد نقدینگی کم بشود. واقع‌بینی و استفاده از عقل و منطق و به‌کارگیری نیروهای متخصص و همراهی و همدلی و صداقت با مردم ضرورت دارد.

از خاوندن بزرگ توفیق‌مان در خدمتگزاران به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزارای واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم.

خودم و شما را به مدارا، رحم و مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

…و آن‌ که گفت: نه!

و تازه می‌فهمم این واژه باید در هر‌کجای این خاک، ریشه دوانده باشد؛ از حوالی شمال غربی، مناطق آذربایجان، تا حدود مرکز و جنوب ایران عزیز. بیرمرد می‌گوید جنم یعنی آنکه بتوانی بگویی نه!

رفیق ما سیدرضا میرکمیی با لطف و دعوتش حال ما را ساخت. در عصر دوشنبه و تا الان که این یادداشت را

می‌نویسم ذهنم پاکیز لحظه‌های ناب با بازی‌های تحسین‌برانگیزی است که برای ما خلق کرده: «شخصیت‌هایی باجنم».

ضروری می‌کند؛ اما به دلیل بی‌توجهی و بی‌عملی مراجع مسئول، به شیوه‌ای نامناسب و ناملم و غیرفنی به انجام و اتمام می‌رسد.

پدیدهی است که نویسنده این یادداشت تنها بر اساس مشاهدات میدانی خود و به جهت ایجاد توجه ملی و ضرب تلنگری به مسئولان نسبت به نگارش اقدام کرده است و قطعا به همه ساخت‌وسازها در تمام مناطق روستایی اشراف ندارد و احیانا محدود ساخت‌وسازهای اصولی و معدود دهیاری‌ها و بخشداری‌های منضبط مخاطب این یادداشت نیستند؛ اما تجربه نشان داده است تفاوت چندانی میان اجرای نظامات اداری و حقوقی از طرف دستگاه‌های مختلف در سطح کشور نیست.

به جای مقصر برای مشکلات دنبال راه‌حل باشید

وقتی می‌گوییم در خیالات نمی‌شود زندگی کرد، همین است که ما اینجا از ضرورت افزایش جمعیت و ازدواج و فرزندآوری می‌گویم و از آن طرف واقعیت جامعه مثل پتکی خواب‌مان را می‌پراند. آقایان، واقعیت تلخ این است که آمار ازدواج در دو ماه اول امسال حدود ۱۷ درصد در مقایسه با دو ماه مشابه در سال گذشته کاهش داشته و در عوض آمار طلاق در همین زمان حدود ۳۸ درصد افزایش پیدا کرده است. آمار زاد و ولد